

بسم الله الرحمن الرحيم



مجموعه مقالات

دومین همایش دو سالانه اقتصاد ایران
«اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی»

۱۷ و ۱۸ مهرماه ۱۳۸۱



دانشگاه تربیت مدرس
پژوهشکده اقتصاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
پژوهشکده اقتصاد

دانشگاه تربیت مدرس

Proceedings of
The Second Biennial Seminar
On Iranian Economy:
Economic Reform : Theoretical Foundation and a
Plan of Action

October-8-9
2002

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران

دکتر سیدحسین میرجلیلی^۱

چکیده

فساد مالی، سوء استفاده از قدرت (مقام و منصب) دولتی برای کسب منافع شخصی یا گروهی است.^۲ انحصارها، ساختار اقتصادی رانت زا، و فقر عمومی، عوامل اقتصادی هستند که با فساد مالی در اقتصاد ایران دارای همبستگی مثبت می‌باشند و اقتصاد ایران را به یک اقتصاد جرم خیز تبدیل نموده اند. برخی اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در اقتصاد ایران عبارتند از: پی‌گیری سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی، بازنگری نقش و وظایف دولت در اقتصاد، رانت زدایی از اقتصاد و پی‌گیری سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت در اقتصاد.

۱- مقدمه

معضل فساد مالی طی چند دهه اخیر گسترش یافته و آگاهی نسبت به آن افزایش پیدا کرده است؛ به گونه ای که هم اکنون به یک معضل جهانی تبدیل و تاکنون هشت کنفرانس بین المللی در این زمینه برگزار شده و علل، پیامدها و راهکارهای مبارزه با آن مطرح شده است. کشور ما نیز متأسفانه از این پدیده ناپسند به دور نبوده و فساد مالی طی سالهای گذشته در ایران گسترش یافته است.

در این مقاله ابتدا طرح پژوهش مطرح و در آن ضرورت، اهداف، سؤالها، فرضیه ها و روش تحقیق شرح داده شده است. سپس ادبیات نظری مربوط به فساد مالی و عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی موثر بر فساد مالی، مطرح و طی آن نکات مهم مقالات مربوطه (پژوهشهای قبلی) ذکر شده است. بخش بعدی مقاله به آزمون فرضیه اختصاص دارد که طی آن وابستگی فساد مالی با برخی متغیرهای کلان اقتصادی مورد بررسی آماری قرار گرفته و بر این اساس اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در ایران پیشنهاد گردیده است. نتیجه گیری آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱. استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲- طرح پژوهش

۱-۲- ضرورت

ضرورت این بررسی از آن جهت است که تعداد پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی از ۱۴۳۳۴ پرونده در سال ۱۳۷۳ به ۱۸۹۰۷۰ پرونده در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این روند باعث شده است که فساد مالی به یکی از معضلات اقتصادی کشور تبدیل شود.

جدول شماره (۱) پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی طی سالهای ۷۹ - ۱۳۷۳ را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود طی ۷ سال تعداد پرونده های رسیدگی شده بیش از ۱۳ برابر افزایش یافته است که نشانگر گسترش سریع فساد مالی در بخش دولتی است.

جدول ۱- پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل
در دادگاههای عمومی (۷۹ - ۱۳۷۳)

سال	تعداد پرونده
۱۳۷۳	۱۴۳۳۴
۱۳۷۴	۸۴۳۵۱
۱۳۷۵	۱۰۲۶۴۱
۱۳۷۶	۱۲۷۱۲۴
۱۳۷۷	۱۴۱۳۴۴
۱۳۷۸	۱۶۳۶۶۷
۱۳۷۹	۱۸۹۰۷۰

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۷۳

۲-۲- اهداف

دو هدف اصلی این بررسی عبارتند از:

الف - شناخت پدیده فساد مالی و عوامل مؤثر بر آن؛

ب - بررسی وابستگی فساد مالی با برخی متغیرهای اقتصادی ایران.

۲-۳- سؤال ها

پرسش های این بررسی عبارتند از:

الف- آیا فقر عمومی با بروز فساد مالی در اقتصاد ایران وابستگی دارد؟

ب- آیا سهم زیاد دولت در اقتصاد ایران با فساد مالی وابستگی دارد؟

ج- آیا رانت طلبی در اقتصاد ایران با فساد مالی وابستگی دارد؟

۲-۴- فرضیه ها

- حدس های علمی برای پاسخ به پرسش های این بررسی، به شرح زیر است:
- الف- فقر عمومی با فساد مالی همبستگی مثبت دارد؛
 - ب- سهم زیاد دولت در اقتصاد با فساد مالی همبستگی مثبت دارد؛
 - ج- رانت نفت با فساد مالی همبستگی مثبت دارد.

۲-۵- روش پژوهش

روش پژوهش، روش آماری و تحلیلی است. از طریق محاسبه ضریب همبستگی به آزمون فرضیه های یاد شده، پرداخته می شود. باید توجه داشت که به دلیل ماهیت پدیده فساد مالی که همواره با مخفی کاری همراه است و همچنین به دلیل قانونی نبودن، آمار لازم برای بررسی کمی در دسترس نیست. به همین لحاظ دو روشی که بیشتر توسط مؤسسات برای بررسی مورد استفاده قرار گرفته است، روش پرسش نامه برای تحقیق پیمایشی و روش آماری از طریق ضریب همبستگی است. در بررسی این مقاله، روش آماری اتخاذ شده است.

۳- تعریف فساد مالی

بانک جهانی، فساد مالی را سوء استفاده از قدرت (مقام و منصب) دولتی برای کسب منافع شخصی^۱ تعریف کرده است.^۲ برخی اوقات، سوء استفاده از قدرت بخش عمومی لزوماً برای کسب منافع شخصی نیست بلکه برای تامین منافع گروههای خاص، دوستان، خانواده و ... است. همچنین تمامی موارد فساد مالی نتیجه اش پرداخت رشوه نیست. فساد مالی نوعی رانت جویی است ولی تمامی موارد رانت جویی فساد مالی نیست. اصطلاح فساد مالی (corruption) از واژه لاتین *corrumpere* گرفته شده که به معنای شرکت چند نفر (دست کم دو نفر) در فعالیتی است که هدفش تخریب، نابودی یا خسارت زدن به حاکمیت باشد.^۳

شلاپفر و ویشنی^۴ فساد مالی را فروش دارایی دولتی توسط دست اندرکاران دولت برای نفع شخصی می دانند. پایه فساد مالی را سوء استفاده از قدرت، استفاده نادرست از اداره دولتی برای نفع مستقیم یا غیرمستقیم تعریف می کند. نفع شخص غیرمستقیم نفعی است که به طور ناشایستی برای سازمان وی (مانند: موسسه دولتی) تامین می شود.^۵

1. abuse of public office for private gain.

۲. بانک جهانی، "دولت در جهان در حال تحول"، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷ و رابرت کلیگارد، "چه می توان کرد"، ص ۳۴.

3. Inna Cabelkova, "Corruption", 2001; p.4.

4. Andrej Shleifer and Robert Vishny; "Corruption"; Quarterly Journal of Economics; August 1993; p. 601.

5. Nikos Passas, "Causes and Consequences of Corruption", P.1.

تعاریف یاد شده نگرش نخردی به این پدیده دارد و بر نقش دست اندرکاران دولتی در اقدامات فساد مالی تأکید می‌کند اما فاقد دیدگاه کلان است و فساد مالی بخش خصوصی را شامل نمی‌شود. در شرکتهای بزرگ خصوصاً نیز فساد مالی در خرید یا حتی در استخدام وجود دارد. از سوی دیگر به این پدیده به عنوان ماهیت جمعی^۱ نمی‌نگرد.

۴- مروری بر ادبیات نظری مربوط به فساد مالی

بررسی علل وقوع فساد مالی در علم اقتصاد به ۳۰ سال قبل باز می‌گردد که اقتصاد دانان رانت جویی را مطرح نمودند و فعالیتهای رانت جویی غیر قانونی، فساد مالی نامیده شد.

وینوتانزی عوامل موثر بر فساد مالی در بخش دولتی را به دو دسته تقسیم می‌کند: مستقیم و غیر مستقیم. از نظر تانزی عواملی که مستقیماً در فساد مالی نقش دارند عبارتند از:

مقررات و اختیارات دولت، مقررات مالیاتی، تصمیمات مربوط به مخارج دولت، عرضه کالاها و خدمات در زیر قیمت‌های بازار، تصمیمات براساس مصلحت و تأمین مالی احزاب. عوامل غیر مستقیم فساد مالی نیز عبارتند از: کیفیت بوروکراسی، سطح دستمزدهای بخش عمومی، نظامهای مجازات، کنترل‌های نهادی، شفافیت قواعد، قوانین و فرایندها و الگوی رفتار رهبران^۲

پائولو مانورو منشأهای فساد مالی در بخش دولتی را در موارد زیر می‌داند: محدودیتهای تجاری، یارانه‌های دولت، کنترل‌های قیمتی، نرخ چند گانه و برنامه تخصیص ارز، دستمزدهای پایین در بخش دولتی، موجودی منابع طبیعی و عوامل جامعه شناسانه.^۳

U.N.D.P در مطالعه‌ای علل اقتصادی فساد مالی (رشوه) در بخش دولتی را در زمینه‌های زیر می‌داند: پرداختهایی که عرضه و تقاضا را برابر می‌کند، پرداخت رشوه به عنوان عامل ایجاد انگیزه در کارکنان، رشوه به عنوان کاهنده هزینه (ارباب رجوع)، پرداخت برای به‌دست آوردن قراردادهای بزرگ، پرداخت برای کسب امتیازات و

1. aggregate.

2. Vito Tanzi; "Corruption Around the World, causes, Consequence, Scope and Cures," I.M.F Staff Papers; Vol. H5; No. 4; Dec. 1998; pp. 565-576.

3. Paolo Mauro, "Corruption : Causes, Consequences and Agenda for Further Research"; Finance & Development; March 1998; pp.4-6.

بنگاههای خصوصی شده، پرداخت برای خریدن شخصیت‌های با نفوذ سیاسی و پرداخت برای اثر گذاری بر تصمیمات قضایی.^۱

۲. نیکلاس پاساس علل وقوع فساد مالی را عدم تقارن‌های جرم خیزی می‌داند. عدم تقارن‌ها، بازار کالاها و خدمات غیر قانونی را تشدید می‌کند، شفافیت را کاهش می‌دهد و مانع حساب رسی جهت کنترل فعالیت‌های غیر قانونی می‌شود و برای اقدام به معاملات غیر قانونی، انگیزه ایجاد می‌کند. مهمترین زمینه‌های مطرح شده توسط پاساس عبارتند از: عدم تقارن مقررات در بانکداری و نظام مالیاتی، عدم تقارن‌های اجرایی (نظام اداری ناکارآمد)، عدم تقارن‌های اقتصادی از جهت توزیع درآمد. موارد یاد شده در بخشی از جامعه یأس ایجاد می‌کند و توجیه فساد مالی برای باز توزیع ثروت را تقویت می‌کند. انحصارها به دلیل شرایط نامتقارن از لحاظ فضای رقابتی، پدید آمده است. عدم تقارن عرضه و تقاضا به دلیل مداخله دولت در بازار از طریق اجرای سیاست‌های حمایتی مانند: یارانه یا کنترل قیمت نیز ایجاد می‌شود و شرایط لازم را برای انواع قاچاق کالا فراهم می‌کند. بنابراین عدم تقارن زمینه بروز فساد مالی است.

۳. ترسمان^۳ در بررسی علل فساد مالی کشورها از هفت شاخص فساد مالی استفاده نموده است که در گزارش ریسک تجاری کشورها طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مطرح شده است. نتیجه بررسی ترسمان این است که کشورهای دارای سنت‌های مذهب پروتستان، پیشینه حاکمیت انگلستان، اقتصادهای توسعه یافته تر و شاید کشورهای با واردات بیشتر، فساد مالی کمتری دارند. دولت‌های فدرال "فساد" بیشتری دارند و مردم سالاری بیشتر منجر به فساد مالی کمتر شده است.

۵- عوامل اقتصادی موثر بر فساد مالی در ایران

مهمترین عوامل اقتصادی که بر فساد مالی در کشورمان مؤثرند عبارتند از:

۵-۱- مداخله‌ها و تصدی‌های غیر ضروری دولت در اقتصاد

فساد مالی در جایی است که وجود محدودیت و مداخله زیاد دولت دستیابی به سود نامعقول را ممکن ساخته است.^۴ گستره وسیع مداخلات دولت در امور اقتصادی و غیر قابل پیش بینی بودن دوره زمانی و نحوه مداخلات از جمله مشکلات فراروی

1. U.N.D.P: "Corruption and Good Governance"; Discussion Paper; No.3; July 1997; pp.1-33.

2. Nikos Passas; "Causes and Consequences of Corruption"; &th International Anti-Corruption Conference; 1997; pp. 1-2.

3. Davies Treisman; "The Causes of Corruption : a Cross- National Study"; Journal of Public Economics; vol. 76; 2000; p. 399.

۴. رشل، آندریا بیلومیدانا، "فساد و آشنابازی"، ص ۳۶.

فعالتهای اقتصادی در ایران است^۱. برای بسیاری از فعالیتها باید مجوزهای لازم را از دولت دریافت نمود. وجود مقررات و تصدی های یاد شده نوعی قدرت انحصاری برای مسؤولان نهادهای صادر کننده مجوز و ناظر بر فعالیتها ایجاد می کند. کارکنان دولت می توانند از صدور مجوزهای لازم امتناع کنند یا ماهها یا حتی سالها از انجام امور طفره روند یا از افراد متقاضی مجوز، رشوه دریافت کنند. در چنین شرایطی افرادی به عنوان واسطه یا کار چاق کن برای به دست آوردن این مجوزها عمل می کنند. وجود این مقررات نیاز به تماس مکرر میان شهروندان و بوروکراتها ایجاد می کند. همچنین مستلزم صرف وقت زیادی توسط شهروندان در به دست آوردن این مجوزها و سرو کار داشتن با مسؤولان بخش عمومی است. پرداخت رشوه راهی برای کاهش زمان و موانع یاد شده است^۲.

۵-۲- نظام مالیاتی ناکارآمد و غیر شفاف

مالیتهای مبتنی بر قوانین مالیاتی روشن که مستلزم تماس میان مالیات دهندگان و ممیز های مالیاتی نباشد، احتمال بسیار کمی دارد که به فساد مالی منجر شود. اما هنگامی که موقعیت های زیر وجود داشته باشد، فساد مالی یک مسأله مهم در ادارات مالیات و گمرک است:

- ۱- فهم قوانین مالیاتی مشکل باشد و بتوان آنرا به صورت های مختلفی تفسیر کرد، به گونه ای که مالیات دهندگان برای عمل به آنها نیاز به کمک داشته باشند؛
- ۲- پرداخت مالیات مستلزم تماس مکرر میان مالیات دهندگان و مأموران مالیاتی باشد؛
- ۳- حقوق مأموران مالیاتی پایین باشد؛
- ۴- فساد مالی مأموران مالیاتی نادیده گرفته شود، به آسانی کشف نشود یا حتی وقتی کشف می شود با ملایمت با آنان برخورد شود؛
- ۵- رویه های اجرایی شفاف نباشد و در ادارات مالیات و گمرک نظارت دقیق وجود نداشته باشد؛
- ۶- مأموران مالیاتی در اخذ تصمیمات مهم مانند اعطای مشوق های مالیاتی، تعیین بدهی های مالیاتی، انتخاب حسابرسان، اقامه دعاوی و ... مصلحت اندیشی زیادی داشته باشند؛
- ۷- کنترل های دولت بر مأموران مالیاتی ضعیف باشد.

یکی از ایرادهای اساسی نظام مالیاتی ایران از دیدگاه قوانین و مقررات، وجود معافیت ها و تخفیف های مالیاتی است. از این گونه موارد به عنوان راه گریز استفاده

۱. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه سوم"، پوست شماره ۲، لایحه برنامه (جلد اول)، ص ۶۱.

2. Paolo Mauro, "Corruption, ..." 1998 ; p. 11 and Vito Tanzi ; "Corruption Around the World" ; 1998 ; p. 566.

می‌شود و اگر بخش اجرایی مالیات بخواهد میزان کنترل خود را افزایش دهد، هزینه کار خیلی زیاد می‌شود. نسبت معافیت های اعطا شده در مورد مالیات بر درآمد به درآمد سرانه در ایران بیش از یک می‌باشد که در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. معافیت های اعطا شده در قوانین گمرکی بسیار گسترده و متعدد می‌باشد و غالباً شکل سنتی داشته و براساس برنامه خاصی اعطاء نشده است.

قوانین فعلی مالیاتی کشور اولاً: از لحاظ عبارتی و دستوری پیچیده‌اند که این امر ابهام هایی را در تعبیر آن به وجود آورده است و ثانیاً: احکام مندرج در آن بعضاً مشروط می‌باشند و از استحکام لازم برخوردار نیستند (مانند ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم). مشکل دیگر نظام مالیاتی کشور اتکاء بر افراد به جای ضوابط به دلیل تشخیص علی‌الرأس و اختیارات قانونی ممیز و جایگزینی قضاوت شخصی به جای واقعیات است.^۱

۵-۳- تصمیمات مربوط به مخارج دولتی

فساد مالی می‌تواند بر مخارج بخش عمومی نیز از طریق موارد زیر اثر گذارد:

الف) پروژه‌های عمرانی ملی و استانی به دلیل پافشاری برخی وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استاندار یا شخصیت‌های مذهبی استان، ارزیابی هزینه - فایده نمی‌شود و به دلیل نبود نظارت دچار فساد مالی می‌شود. در مواردی، پروژه‌های عمرانی فرصت‌هایی فراهم می‌کند که در مواردی دست‌اندرکاران از مجریان پروژه‌ها، کمیسیون دریافت کنند. این مسأله بهره‌وری مخارج دولتی را کاهش می‌دهد و منجر به ایجاد پروژه‌هایی می‌شود که براساس تحلیل هزینه - فایده قابل توجیه نیست.

ب) مخارج مربوط به خرید کالاها و خدمات توسط دولت نیز دچار فساد مالی است. برای کاهش امکان وقوع فساد مالی در این زمینه می‌توان از رویه های پیچیده و پرهزینه استفاده کرد ولی نتیجه آن افزایش شدید قیمت کالاها است. حسابهای فراتر از بودجه^۲ که برای اهداف خاصی مانند کاهش کنترل‌های اداری استفاده می‌شود، منشأ دیگر فساد مالی است. به دلیل نبود شفافیت و کنترل مؤثر، بخشی از این مبالغ در موارد غیر قانونی استفاده می‌شود. از سال ۱۳۵۷ در حدود دو سوم مخارج واقعی بخش عمومی مخارج، خارج از بودجه بوده است و در بودجه دولت ذکر نشده است. از پیامدهای منفی چنین مخارجی این است که در اثر غیر شفاف بودن منابع مالی خارج

۱. سازمان برنامه و بودجه، «سند برنامه سوم»، پوست شماره ۲ لایحه برنامه: جلد اول، شهریور ۱۳۷۸، صص ۱۰۰ -

از بودجه و کنترل و نظارت ضعیف بر این قبیل منابع احتمال سوء استفاده و تبانی (فساد مالی) افزایش می یابد.

منابع مالی خارج از بودجه از مداخله دولت در بازار اعتبارات، ارز و سوخت به دست می آید. بخش از اعتبارات بانکی صرف تأمین مالی کسری دولت می شود و به صورت وام در اختیار شرکت های دولتی قرار می گیرد. در قانون بودجه، تبصره هایی وجود دارد که به دولت اجازه می دهد با استفاده از منابع بانکی با نرخ های پایین از فعالیتهای خاصی حمایت کند. مشخصه مهم استفاده از این قبیل منابع آن است که نظارت های مرسوم بودجه ای را دور می زند. نتیجه امر، رانت جویی برای کسب منابع مالی ارزان بانکی است. همین بحث در مورد بازار ارز و سوخت مصداق دارد.

۴-۵- عرضه کالاها و خدمات در پایین تر از قیمت بازار

هنگامی که دولت کالاها، خدمات و منابع مانند ارز، اعتبار بانکی، برق، آب، مسکن دولتی، برخی کالاهای سهمیه بندی شده، دسترسی به تسهیلات آموزشی و بهداشتی و زمین های دولتی و... را در قیمت های پایین تر از قیمت بازار عرضه می کند، در کنار آن رانت جویی شکل می گیرد و برخی افراد برای دسترسی به کالاها در پایین تر از قیمت بازار به فساد مالی متوسل می شوند.

۵-۵- تصمیم گیری براساس مصلحت^۳ در امور اقتصادی

مهمترین زمینه های فساد مالی بخاطر تصمیم گیری براساس مصلحت عبارتند از:

- ۱- اعطای مشوق های مالیاتی در مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و در حقوق گمرکی و سود بازرگانی؛
- ۲- تصمیمات مربوط به کاربری خاص زمین که تعیین می کند آیا قطعه ای از زمین می تواند تنها برای کشاورزی استفاده شود و لذا ارزش بازاری پائینی دارد یا برای ساختمانهای بلند نیز می تواند استفاده شود و لذا بسیار گران خواهد بود و یا تصمیم گیری در مورد اعطای تراکم ساختمان که همین تبعات را به دنبال دارد؛
- ۳- تصمیمات مربوط به استفاده از زمین ها و امکانات دولتی که منافع زیادی برای دریافت کننده دارد. موارد زیادی از فساد مالی در زمینه صدور مجوز برای قطع درختان جنگل های عمومی یا بهره برداری از منابع معدنی موجود در زمین های دولتی یا استفاده از امکانات دولتی وجود دارد؛

۱. هادی صالحی اصفهانی و فرزاد طاهری پور، محارج خارج از بودجه و سیاست مالی در ایران، ص ۲۸۷.

2. Paolo Mauru, "Why Worry ..."; 1997; PP.4.

3. Discretionary Decision..

- ۴- تصمیماتی که به سرمایه‌گذاری های کلان خارجی مجوز می‌دهد که اغلب برای سرمایه‌گذاران، قدرت انحصاری ایجاد می‌کند؛
- ۵- تصمیمات مربوط به فروش دارایی های بخش دولتی؛
- ۶- تصمیمات مربوط به خصوصی سازی شرکت های دولتی و شرایط آن؛
- ۷- تصمیمات مربوط به اعطای قدرت انحصاری به فعالیتهای داخلی، صادراتی و وارداتی خاص.

چنین تصمیم‌هایی برای افراد یا شرکت‌ها بسیار مهم است. طبیعی است که برخی از آنها تلاش کنند، با پرداخت رشوه و برقراری روابط شخصی نزدیک با مسئولان دولتی، تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار دهند. معمولاً رشوه به دولت‌مردانی پرداخت می‌شود که حقوق و مزایای آنها اندک است و بهای وسوسه کردن^۱ این افراد بسیار کمتر از نفع بالقوه‌ای است که یک تصمیم مطلوب برای رشوه‌دهنده ایجاد می‌کند.^۲

۵-۶- محدودیتهای تجاری

محدودیتهای تجاری مثال بارزی برای عوامل اقتصادی مؤثر بر فساد مالی است. اگر واردات کالاهای معینی مشروط به محدودیت کمی باشد، مجوزهای لازم برای واردات بسیار با ارزش می‌شود و برخی واردکنندگان، دست اندرکاران بازرگانی خارجی را آلوده می‌کنند. از سوی دیگر محدودیت های تجاری، شبه انحصار برای صنعت داخلی ایجاد می‌کند و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن تعرفه‌ها، لابی خواهند کرد.^۳ برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که طی دوره ۷۵ - ۱۳۶۷ در کشور سالانه حدود دو میلیارد دلار کالای قاچاق صادر و یا وارد می‌شود. طبق آمار رسمی نیروی انتظامی، قاچاق کالا از لحاظ ارزش، طی سالهای ۷۶ - ۱۳۷۴ بیش از دو برابر افزایش داشته و به ۸۶۰ میلیارد ریال رسیده است. مهمترین عوامل افزایش قاچاق کالا را باید موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بویژه برای کالاهای مصرفی و لوکس، پیمان سپاری و تعیین نرخ دلار صادراتی از سوی دولت عنوان کرد.^۴ عامل دیگر مؤثر بر فساد مالی در گمرکات و قاچاق کالا، فرایند پرهزینه، زمان‌بر و پیچیده واردات قانونی کالا است. متقاضی واردات کالا با داشتن کارت بازرگانی معتبر

1. Temptation price.

2. Vito Tanzi, "corruption Around the World", 1998, pp. 570.

3. Paolo Mauro, "Why Worry" ..., 1997, P.4.

۴. سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه سوم، پوست شماره ۲، لایحه برنامه، جلد دوم، شهریور ۱۳۷۸، ص ۱۶۲.

و کد اقتصادی^۱ پس از اخذ پروفرما، باید با دریافت فرم ثبت سفارش از وزارت بازرگانی و اخذ مجوزهای موردی از وزارتخانه‌ها (وزارت نفت، بازرگانی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، پست و تلگراف و تلفن، صنایع و معاون و جهاد کشاورزی)^۲، اسناد و مدارک لازم را پس از تکمیل به اداره ثبت سفارش وزارت بازرگانی جهت بررسی تحویل داده، آنگاه در صورت موافقت مسؤولان ذی‌ربط، مجوز واردات کالا را دریافت نماید. سپس به بانک کارگزار مراجعه نموده و گشایش اعتبار کند و پس از آن نسبت به پرداخت حق بیمه، تعیین موسسه بازرسی و ... اقدام نماید. در نهایت پس از ورود کالا به گمرکات کشور، جهت اخذ قبض انبار، پرداخت کرایه، انبارداری، تنظیم اظهارنامه گمرکی، پرداخت حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض مختلف (از جمله عوارض شهرداری، هلال احمر، صدا و سیما، آموزش و پرورش، ارشاد و ... که در مجموع شامل حدود ۲۷ نوع عوارض گوناگون می‌شود) اقدام کند.

آنگاه در صورت موافقت گمرک با اخذ پروانه سبز گمرکی، کالا را ترخیص کرده و سپس جهت پرداخت مالیات به وزارت امور اقتصادی و دارایی مراجعه نماید. انجام مراحل مذکور بسیار زمان بر و طولانی (به طور متوسط ۷۰ روز به درازا می‌کشد)، پرهزینه، پیچیده و خسته کننده است؛ در حالی که شبکه گسترده قاچاق بدون طی مراحل مذکور و ظرف مدت بسیار کوتاه و با هزینه بسیار کمتری، کالای درخواستی را در مقصد دلخواه تحویل می‌دهد.

بنابراین مقررات پیچیده و دست و پاگیر برای واردات کالا موجب می‌شود که عده‌ای از واردکنندگان، کالاهای وارداتی خود را نه به صورت قانونی، بلکه به صورت قاچاق وارد کشور کنند.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. برای اخذ کارت بازرگانی و کد اقتصادی باید مراحل زیر طی شود: مراجعه به اتاق بازرگانی و دریافت فرم مخصوص برای کسارت بازرگانی، مراجعه به اداره ثبت و اسناد و دریافت فرم اظهار نامه ثبت با پرداخت وجه. اگر شخص حقوقی است به روزنامه رسمی مراجعه می‌شود، اگر شخص حقیقی است به اتاق بازرگانی مراجعه می‌کند و فرم عدم سوء پیشینه دریافت می‌کند. مراجعه به اداره تشخیص هویت، دریافت عدم سوء پیشینه پس از یک هفته، مراجعه به اتاق بازرگانی و ارائه مدارک، اخذ کسارت بازرگانی، ارائه درخواست به دارایی جهت دریافت کد اقتصادی، دریافت کد اقتصادی، مراجعه به معاونت بازرگانی خارجی جهت دریافت کارت ثبت نام با ارائه مدرک و سرانجام دریافت کارت ثبت نام.

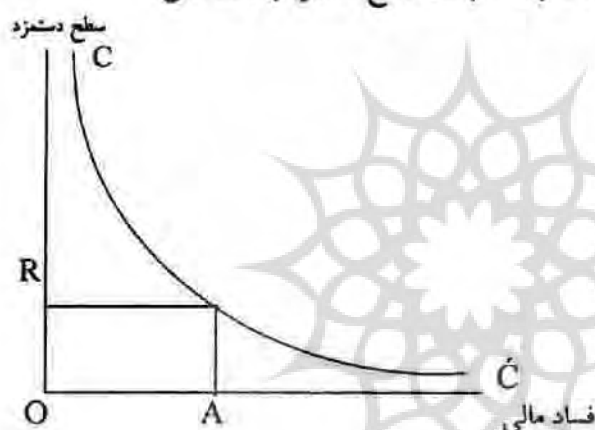
۲. در هر یک از وزارت خانه‌ها مراحل خاص خود وجود دارد.

۳. م. عباس زادگان و م. سید کبیری، «اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا»، ص ۱۱۷.

۵-۷- سطح دستمزدهای پایین در بخش عمومی و دولتی

میزان حقوق کارکنان دولت در تعیین میزان فساد مالی مهم است. در نمودار شماره (۱) منحنی $C\dot{C}$ نشان دهنده بده - بستان سطح فساد مالی و سطح دستمزدهاست. هر قدر سطح دستمزدها بالاتر باشد، فساد مالی کمتر است. اگر نشان دهنده سطح حداقل دستمزد مورد نیاز یک کارمند دولت و خانواده وی برای یک زندگی آبرومند باشد، در آن صورت OA فساد مالی ناشی از طمع و بیش از OA ناشی از نیاز می باشد. این نمودار نشان می دهد هر قدر سطح دستمزد پایین تر باشد زمینه فساد مالی بیشتر است.

نمودار ۱- بده - بستان سطح دستمزد با فساد مالی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ریجکهگم و ودر^۱ ارتباط میان سطح دستمزد و شاخص فساد مالی را بررسی کرده اند. آنها با استفاده از داده های مقطعی، به وجود رابطه معنی دار آماری میان میزان فساد مالی و سطح دستمزدها مانند منحنی CC در نمودار (۱) پی بردند. بدین ترتیب که با افزایش سطح دستمزد، فساد مالی کم شده و برای به حداقل رساندن فساد مالی، میزان افزایش دستمزدها باید زیاد باشد. البته مبارزه با فساد مالی، از طریق افزایش دستمزدها، نیازمند بودجه زیادی است.^۲ از سوی دیگر فساد مالی با میزان تفاوت حقوق در بخش دولتی و خصوصی یا آنچه "میزان وسوسه گری" نامیده می شود، رابطه مثبتی دارد.

۵-۸- رانت اقتصادی

کارلوس لیته و جنز ویدمان به بررسی نظری و تجربی ارتباط میان وفور منابع طبیعی (نفت و...) و فساد مالی پرداخته اند. در این بررسی استدلال نموده اند که وفور منابع طبیعی موجب فرصت هایی برای رفتار رانت جویی است و یکی از عوامل مهم در تعیین سطح فساد مالی در یک کشور می باشد. آنها نشان داده اند که میزان فساد مالی بستگی به وفور منابع طبیعی، سیاستهای دولت و تمرکز قدرت بوروکراتیک دارد. منابع طبیعی، فعالیتهای دارای رانت بسیار بالایی را شامل می شود و رفتار رانت جویی را تسریع می کند. افزایش فرصت های رانت جویی به توزیع یافته های پارادوکسیکال ساچس و وارنر مینی بر وجود ارتباط منفی میان وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی دراز مدت کمک می کند. بدین ترتیب که بخشی از همبستگی منفی میان وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی، ناشی از موضوعی درونزا به نام فساد مالی است.^۳

۶- عوامل غیر اقتصادی موثر بر فساد مالی در ایران

مهمترین عوامل غیر اقتصادی که بر فساد مالی در کشورمان مؤثرند عبارتند از:

۶-۱- وضعیت نظام اداری (بوروکراسی)

راچ و اوانس^۴ اطلاعات مربوط به این مسأله را که شرایط استخدام و ترفیع کارکنان در ۳۵ کشور در حال توسعه تا چه حد براساس شایستگی ها است، جمع آوری و بررسی کردند. نتایج آنها مؤید آن است که به هر اندازه که استخدام و ترفیع کارکنان براساس شایستگی نباشد، میزان فساد مالی افزایش می یابد. استخدام کارکنان بدون در

1. Rijkkeghem and Weder; 1997.

2. Paolo Mauro, "Why Worry ...", 1997; p.6 and vito Tanzi, "Corruption ...", 1998; p. 572.

3. C. Leite and J. Weidmann, "Does Mother Nature corrupt? Natural Resources, Corruption and Economic Growth", I.M.F Working Paper, 1999.

4. Rauch and Evans.(1997)

نظر گرفتن انگیزه‌های سیاسی، پارتی بازی^۱ و تبارگماری و در عین حال وجود مقررات روشن برای استخدام، ترفیع و ارتقای شغلی کارکنان، در کیفیت نظام اداری نقش دارد. در حال حاضر نظام اداری ایران در اثر گسترش بی رویه و ناکارآمد داخلی خود از مشکلات متعددی رنج می‌برد. مهمترین نارسایی های نظام اداری کشور عبارتند از:

- عدم حاکمیت قانون در نظام اجرایی کشور، تضعیف رفتارهای قانونی در نظام اداری و افزایش بوروکراسی زاید که احقاق حقوق مراجعان را با دشواری مواجه نموده است؛
- فقدان نظام ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرایی دولت، شفافیت در نظام اداری کشور را کاهش داده و گسترش تدریجی فساد اداری را به دنبال داشته است؛
- عدم کارایی نظام پرداخت و جریان خدمت و فقدان نظام تشویق و تنبیه؛
- وجود قوانین متعدد، ناسخ و منسوخ و عدم شفافیت و منتهج بودن آنها^۲.

۲-۶- نظام مجازات^۳ (قوانین جزایی و کیفری)

بر اساس تحلیل کلاسیک جلوگیری از جرم که توسط گری بکر انجام شده است، مجازات های در نظر گرفته شده، نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم دارد و افزایش مجازات ها باعث کاهش فساد مالی می‌شود. بنابراین، قوانین جزایی و کیفری عامل مهمی در تعیین دامنه فساد مالی است.

۳-۶- کنترل‌های نهادی

به طور کلی مؤثرترین کنترلها آن است که در درون نهادها تعبیه شود. نبود ناظران درست کار، امین و کارآمد، دفاتر حسابرسی دقیق و قوانین شفاف مبتنی بر رفتار اخلاقی می‌تواند عامل پیدایش بروز فساد مالی باشد. برای اینکه کنترل‌های نهادی بتوانند به وظایف خود عمل کنند، باید مستقل از احزاب سیاسی، مراکز قدرت و شخصیت‌های قدرتمند باشند. از جمله مسایل شرکتهای دولتی که در سند برنامه سوم ذکر شده است، فقدان سیستم مناسب حساب دهی و ارزیابی مدیران شرکتهای دولتی و ارتباط زیاد ارزیابی ها با روابط و وابستگی‌های سیاسی مدیران و فقدان سیستم حسابدهی برای اعضای هیأت مدیره شرکتهای به هنگام تغییر اعضای هیأت مدیره است.^۴

1. Patronage.

۲. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه"، بیست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول، صص ۳۳-۳۲.

3. Penalty systems.

۴. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه سوم"، بیست شماره ۲ لایحه برنامه جلد اول، ص ۵۱.

۶-۴- نبود شفافیت در قواعد، قوانین و فرایندها

نبود شفافیت در قوانین، قواعد و فرایندها، زمینه های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. قوانین و مقررات به نحوی تنظیم شده است که تنها حقوقدانان کارآموده قادر به فهم آنها هستند و غالباً این قوانین درباره موضوعات مهم مبهم بوده و تفسیر های متعددی از آنها می‌شود.

۶-۵- الگوی رفتار رهبران^۱

در صورتی که رهبران بلند پایه سیاسی الگوی مناسبی نباشند و خود مرتکب اعمال خلاف شوند یا از تخلفات خویشاوندان، دوستان و هواداران سیاسی خود چشم پوشی کنند، نمی‌توان از کارکنان دولت انتظار رفتار دیگری داشت. در اداره های مالیات، گمرک، شرکت های دولتی و نظایر آن چنانچه مدیران و رؤسای این سازمانها و نهادها درست عمل نکنند یا به عبارتی الگوی مناسبی نباشند، نباید انتظار داشت که سازمان شان عاری از فساد مالی باشد.

۷- منشأ های فساد مالی در اقتصاد ایران

مهمترین منشأ های فساد مالی در اقتصاد ایران عبارتند از :

۷-۱- انحصارها

انحصار در اقتصاد ایران به دلایل زیر وجود دارد:

- ۱- سهم بسیار بالای دولت و بخش عمومی از درآمد ملی؛
- ۲- مالکیت و تصدی بنگاههای عمده کشور توسط بخش دولتی و عمومی؛
- ۳- سیاستهای اقتصاد کلان دولت که سبب ایجاد محدودیت های جدی برای تخصیص منابع از طریق مکانیزم قیمتها و بازارهای رقابتی می‌شود؛
- ۴- سیاستهای مداخله گرانه دولت در تجارت خارجی. دولت خود چه مستقیماً از طریق مالکیت و کنترل و چه به طور غیر مستقیم از طریق سیاستهای اقتصادی، عامل اصلی ایجاد و استمرار ساختار انحصاری در اقتصاد کشور است.^۲

برخی انحصارهای موجود در اقتصاد ایران به دلیل قانون اساسی (اصل ۴۴) یا قانون خاص است. قدرت انحصاری تعداد زیادی از بنگاههای کشور خصوصاً آن دسته از بنگاههای بخش خصوصی که دارای قدرت انحصاری هستند ناشی از رویه حمایتی دولت در تجارت خارجی است. تعرفه های بالا، محدودیتهای مقداری، دریافت مجوز عدم ساخت در داخل برای واردات و ... از جمله موانعی هستند که سبب افزایش

I. Examples by the leadership.

۲. سازمان برنامه و بودجه، بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز قوانین ضد انحصار در کشور، ص ۱۶.

قیمت کالاهای وارداتی و ایجاد شرایط انحصاری برای تولید کنندگان داخلی می‌شود. به علاوه به دلیل وجود محدودیتهای ارزی، سهمیه بندی و نحوه تخصیص ارز، قدرت انحصاری بنگاههای دولتی تشدید نیز شده است.

بنگاههای متعدد دولتی جهت واردات و تولید کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای ایجاد شده است. به علاوه به علت ضعف بخش خصوصی، پس اندازهای محدود این بخش و نبود نهادهای واسطه‌ای کافی برای تمرکز پس اندازهای بخش خصوصی، دولت مستقیماً وظیفه ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی را با اتکا به درآمدهای نفتی به عهده گرفته است. حتی با تبصره‌های تکلیفی، بانکها را ملزم به اعطای اعتبارات به بنگاههای دولتی می‌نماید. از سوی دیگر شرکتهای دولتی در جریان تولید، ادغام‌های عمودی ایجاد کرده‌اند که سبب گسترش قدرت انحصاری بنگاهها می‌شود. این گونه ادغام‌های عمودی از طریق ایجاد شرکتهای دولتی نسل دوم، سوم و ... صورت گرفته است. گسترش عمودی صنایع نفت و پتروشیمی، خودروسازی و فولاد مؤید این مسأله است.

تعداد زیادی از بنگاهها، اکثراً بنگاههای دولتی و عمومی با استفاده از مزایای خاصی که دولت برای آنها قایل شده است، موقعیت انحصاری تحصیل نموده‌اند. مزایای ارزی، اعتباری، امکانات فیزیکی، معافیت‌های مالیاتی، استفاده از اموال دولتی و عمومی، اجازه عملیات خارج از قوانین و مصوبه‌ها، دسترسی به اطلاعات حساس که در اختیار عموم نیست و ... از جمله این مزایا هستند. در چنین شرایطی طبیعتاً سایر بنگاهها قادر به رقابت با آنها نخواهند بود. در چند سال اخیر دولت و بخش عمومی موفق به ایجاد بنگاههای انحصاری در شبکه توزیع مصرفی (مانند: فروشگاههای زنجیره‌ای شهروند و یا رفاه)^۱ نیز شده‌اند.

موارد یاد شده، منشأ انحصارهای اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. مهمترین پیامدهای ساختار انحصاری در اقتصاد کشور، هدر رفتن منابع برای کسب رانت‌های انحصاری، توزیع سودهای انحصاری که مایوس‌کننده کار و تلاش و کاهش انگیزه بنگاههای انحصاری برای افزایش کارایی است. در واقع دولت و قانون‌گذار با ایجاد موانع ورود، مهمترین سرچشمه انحصارهای زیان‌آور در اقتصاد ایران هستند. سیاستهای کنترل اقتصادی از طریق قیمت‌گذاری منابع در سطحی کمتر تعادلی و سپس تخصیص منابع از طریق مکانیزم‌های اداری نه تنها سبب ایجاد سودهای انحصاری برای دریافت کنندگان این منابع شده است، بلکه زمینه را برای ایجاد فساد مالی فراهم کرده است. دولت جهت تخصیص منابع مالی تعداد بنگاههایی را که به طور بالقوه می‌توانند وارد بازار شوند به دلیل تعهد ایجاد شده در صورت ورود این بنگاهها برای دریافت منابع

۱. همان، صص ۵۶ - ۵۹.

۲. فرهاد خداداد، ارزیابی قدرت و حجم فعالیتهای انحصاری در اقتصاد ایران، صص ۱۸۲.

کمیاب، ارزش و اعتبارات، از طریق لزوم دریافت مثلاً موافقت اصولی کنترل می‌نماید. لزوم دریافت موافقت اصولی برای ورود به فعالیتهای تولیدی نیز به نوبه خود سبب ایجاد سودهای انحصاری برای دریافت کنندگان این نوع موافقت نامه ها و به دنبال آن گسترش فساد مالی می‌گردد.

۷-۲- ساختار اقتصادی رانت زا

ساختار اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به نفت، ساختاری مولد رانت اقتصادی^۱ است. دریافت عواید نفتی توسط دولت باعث شده است تا دولت نیز به دولت رانتیر تبدیل شود. در حال حاضر "نفت" و "دولت"، دو رکن اصلی تولید و توزیع رانت های اقتصادی در کشور را تشکیل می‌دهند. توزیع رانت نفت را دولت انجام می‌دهد و تولید رانت از سوی دولت از طریق اعمال محدودیت بر فعالیتهای اقتصادی، صورت می‌گیرد.

رقابت برای تصدی برخی مدیریتهای دولتی در واقع رقابت برای کسب رانت هاست. اعطای مجوز (سرمایه‌گذاری و واردات) نیز منشأ ایجاد رانت است. به طور کلی کنترل‌های اقتصادی موجب رانت است. رانت جویی فعالیتهایی است که در آن کسب مجوزها، سهمیه ها و استفاده از موقعیتهای انحصاری عامل کسب سودی نامتعارف باشد. به عبارت دیگر فرایندی که در آن افراد دائماً سعی در گریز از رقابت اقتصادی و کسب سودهای بالاتر از نرمال دارند.

اگر میزان رانت تولید شده در اقتصاد قابل ملاحظه باشد، افراد با استعداد جامعه، تحصیل در رشته های مرتبط با توزیع رانت (غیر فنی) را بر خواهند گزید و در نتیجه سرعت رشد دانش فنی نزول کرده و نرخ رشد اقتصادی پایین می‌آید. از سوی دیگر افراد با استعداد جذب مشاغل غیرتولیدی می‌شوند که زحمت کمتری از مشاغل تولیدی دارد و عایدی بالاتری ایجاد می‌کند. در واقع این مشاغل حاوی بازدهی فزاینده به توانایی افراد است و به صرف اندکی بهتر بودن نسبت به همگنان می‌تواند عواید بالاتری کسب کند.

بنابراین وجود رانت اقتصادی، استعدادهای جامعه را به مشاغل رانتی تخصیص می‌دهد. مشاغلی که در آن عواید ارزی یا حقوق های بالا وجود دارد، بیشترین جاذبه

۱. پرداخت به یک عامل تولید که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشش باشد را رانت اقتصادی گویند. به عبارت دیگر رانت اقتصادی به هر نوع عواید ناشی از ثابت بودن عرضه یک عامل تولید اطلاق می‌شود. در شرایط ثابت بودن عرضه یک عامل، تابع عرضه عمودی است و در نتیجه اگر قیمت آن ماده در حد صفر یا بیشتر از آن باشد در عرضه ماده تقویتی ایجاد نمی‌شود. لذا هر قدر بیشتر از صفر به ماده پرداخت شود رانت است.

2. Kevin M. Murphy et al ; 1992 ; p.2.

را پیدا خواهد کرد و بتدریج کار کردن، ارزش خود را در مقابل رانت جویی از دست می‌دهد. تخصیص استعداد به رانت جویی به چند دلیل زیان آور است:

اولاً: همراه با بسط دامنه فعالیت، بخشهای رانت جو نیز توسعه یافته و نیروی کار و دیگر منابع اقتصاد را در خود جذب می‌کنند و لذا درآمد کاهش می‌یابد. حجم عظیم بوروکراسی دولتی این اثر را نشان می‌دهد.

ثانیاً: مالیات تحمیل شده بوسیله بخش رانت جو بر بخش تولیدی، محرک‌ها و انگیزه‌های موجود برای تولید را کاهش می‌دهد و لذا درآمد این بخش‌ها سیر نزولی می‌پیماید.

ثالثاً: اگر مستعدترین افراد جامعه جذب فعالیتهای رانت جویانه شوند، اقتصاد کشور، کارآفرین‌هایی خواهد داشت که از توانمندی کمتری برخوردارند و لذا نرخ پیشرفت دانش فنی و رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت.^۱ بنابراین با حذف رانت‌ها، استعدادها به سمت تولید می‌روند. برآورد انجام شده نشان می‌دهد که حذف رانتهای ناشی از انحصارها در ایران می‌تواند تولید ناخالص داخلی را ۳ درصد افزایش دهد.^۲

هر چند به ظاهر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بیشترین افراد با استعداد و دارای تحصیلات عالی را داراست ولی این فرضیه را می‌توان آزمود که در واقع آنها در وزارت خانه‌ای که رانت توزیع می‌کنند حضور دارند و عمدتاً در امور بین‌الملل یا مدیریت‌های ستادی مشغول فعالیتند. در ترکیب تولید ناخالص ملی ایران سهم بخشهای خدمات و واسطه‌گری بیش از سهم بخشهای تولیدی است. زیرا رانت در بخشهای غیر تولیدی توزیع می‌شود. دولت توزیع‌کننده اصلی رانت حاصل از مجوزها، سهمیه‌ها، موافقت‌های اصولی و... است. از نظر کروگر^۳ هزینه اجتماعی رانت جویی مازاد بر هزینه اجتماعی انحصار، از آنجا ناشی می‌شود که رقابت افراد مختلف برای کسب رانت، مستلزم صرف منابع (وقت، امکانات مادی و توانایی) است. دفاتر شرکتهای وارداتی یا بخش بازرگانی شرکتهای دولتی عمدتاً به پی‌گیری مراحل اداری کسب مجوز و سهمیه می‌پردازند و تنها بخش بسیار اندکی از منابع صرف خود توزیع و واردات می‌شود. باتوجه به محدودیت سهمیه‌ها و مجوزها، رشوه‌راهی برای کسب این رانت‌هاست.

۱. Ibid , P.6.

۲. سازمان برنامه و بودجه، بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز در تنظیم قوانین ضد انحصار در کشور، ص ۱۶.

3. Anne.o Krueger; "The Political Economy of the Rent - Seeking"; The American Economic Review; June 1974.

همان‌طور که مورفی، شلایفروویشنی^۱ بررسی نموده اند، در شرایط وجود امکان کسب درآمد از طریق رانت، استعدادهای جامعه به‌جای نوآوری و خلاقیت به سوی کسب رانت می‌رود و لذا رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. کسانی که به دنبال کسب رانت باشند، درآمد آنها از محل توزیع مجدد ثروت از دیگران به خودشان تأمین می‌شود نه از مشارکت در تولید.

یکی از مهمترین دلایل وجود تمرکز در اداره امور کشور همین رانت است که از مرکز توزیع می‌شود. رشد پایتخت و مراکز استانها در مقایسه با شهرستانها و روستاها نیز به همین دلیل می‌باشد. ریشه اصلی تقاضا برای استانهای جدید (قم، قزوین، اردبیل و گلستان) در فاصله ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ دسترسی بیشتر به منابع مالی متمرکزی است که در اختیار دولت مرکزی قرار دارد و سطح مدیریت استانی می‌تواند سهم بیشتری از منابع دولت را مطالبه کند.

سهمیه بندی امتیازات واردات کالا، تعیین سهمیه های صادراتی، قیمت گذاری پایین محصولات کشاورزی، پایین نگاه داشتن نرخ ارز، مجوزهای مربوط به تاسیس واحدهای صنعتی، تخصیص زمینهای دولتی و عمومی، واگذاری امکانات دولتی مانند: برق و آب، تخصیص اعتبارات بانکی از طریق کانالهای تصمیم گیری فردی و اداری، قیمت گذاری در سطحی پایین‌تر از قیمت تعادلی برای محصولات خصوصی و دولتی و ... به ابزارهایی تبدیل شده‌اند که از طریق آنها درآمد حاصل از صادرات نفت و درآمد ناشی از تولیدات بخش عمومی و به تدریج قسمتی از حاصل تولیدکنندگان غیر دولتی مانند کشاورزان در کانالهای خاصی هدایت شده و بعضاً در میان گروههای اجتماعی که در تصمیم گیری های بوروکراتیک نفوذ دارند، توزیع مجدد می‌شود.^۲

۳-۷- فقر عمومی

طی چند دهه اخیر جمعیت کل کشور به سرعت افزایش یافته است، اما تولید ناخالص داخلی واقعی کشور همپای آن رشد نکرده است. از این رو سبب شده است درآمد سرانه واقعی کشور طی دوره پس از انقلاب روند نزولی بی‌ماید. به گونه‌ای که درآمد سرانه واقعی در سال ۱۳۷۹ به ۷۱۶/۶ هزار ریال رسیده است که از درآمد سرانه سال ۱۳۵۳ (۹۱۹/۳ هزار ریال) پایین‌تر است فقر عمومی باعث می‌شود برای دستیابی به امکاناتی که از طریق معمولی امکان‌پذیر نیست، برخی به فساد مالی متوسل شوند. جدول

۱. Avdrej Shleifer and Robert Vishny; Ibid.

۲. محمد طیبیان، رانت اقتصادی، ص ۲۰.

شماره (۲) روند درآمد سرانه واقعی طی سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۹ را نشان می‌دهد.

جدول ۲- درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ (هزار ریال)

سال	درآمد سرانه واقعی (هزار ریال)	سال	درآمد سرانه واقعی (هزار ریال)
۱۳۳۸	۲۴۷/۱	۱۳۵۹	۶۷۹/۶
۱۳۳۹	۲۵۸/۸	۱۳۶۰	۶۲۵/۸
۱۳۴۰	۲۶۴/۵	۱۳۶۱	۶۷۱/۹
۱۳۴۱	۲۷۱/۵	۱۳۶۲	۷۵۱/۵
۱۳۴۲	۲۷۰/۳	۱۳۶۳	۷۰۹/۳
۱۳۴۳	۲۷۴/۲	۱۳۶۴	۶۶۷/۴
۱۳۴۴	۲۹۸/۱	۱۳۶۵	۵۱۷
۱۳۴۵	۳۴۱/۴	۱۳۶۶	۵۰۹/۳
۱۳۴۶	۳۲۱/۶	۱۳۶۷	۴۳۴/۹
۱۳۴۷	۳۴۱/۱	۱۳۶۸	۴۶۲
۱۳۴۸	۳۵۵/۳	۱۳۶۹	۵۳۲/۸
۱۳۴۹	۸۲۰/۶	۱۳۷۰	۵۷۹
۱۳۵۰	۴۵۱/۷	۱۳۷۱	۵۹۵/۴
۱۳۵۱	۵۳۷/۸	۱۳۷۲	۶۶۴/۳
۱۳۵۲	۶۹۸/۵	۱۳۷۳	۶۴۲/۸
۱۳۵۳	۹۱۹/۳	۱۳۷۴	۶۶۰/۴
۱۳۵۴	۹۷۳	۱۳۷۵	۶۹۸/۴
۱۳۵۵	۱۱۳۸/۶	۱۳۷۶	۶۹۱/۱
۱۳۵۶	۱۱۰۸/۷	۱۳۷۷	۶۶۴/۹
۱۳۵۷	۹۱۰/۴	۱۳۷۸	۶۹۰/۵
۱۳۵۸	۸۷۷	۱۳۷۹	۷۱۶/۶

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، "حسابهای ملی ایران ۷۹-۱۳۳۸"، اداره حسابهای اقتصادی

۸- آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های سه‌گانه یاد شده، از ضریب همبستگی استفاده می‌کنیم. ضریب همبستگی، درجه وابستگی میان دو متغیر را اندازه‌گیری می‌کند. مقدار ضریب همبستگی از ۱- (همبستگی منفی کامل) تا ۱+ (همبستگی مثبت کامل) تغییر می‌کند. ضریب همبستگی دو متغیر تصادفی Y و X در جامعه براساس رابطه زیر تعریف می‌شود:

$$R = \frac{Cov(x, y)}{\delta_x \cdot \delta_y} = \frac{E(x - \mu_x)(Y - \mu_y)}{\sqrt{E(x - \mu_x)^2} \cdot \sqrt{E(Y - \mu_y)^2}}$$

ضریب همبستگی نمونه به طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$R = \frac{\sum(x_i - \bar{x})(y_i - \bar{y})}{\sqrt{\sum(x_i - \bar{x})^2} \cdot \sqrt{\sum(y_i - \bar{y})^2}}$$

و یا

$$R = \frac{n\sum XY - \sum X \sum Y}{\sqrt{n\sum X_i^2 - (\sum X_i)^2} \cdot \sqrt{n\sum Y_i^2 - (\sum Y_i)^2}}$$

بر اساس ارقام مندرج در پیوست شماره (۱) مقاله، نتایج محاسبه ضریب همبستگی میان تعداد پرونده های فساد مالی (Y) و درآمد نفت و گاز (X_۱) (رانت) و درآمد سرانه واقعی (فقر عمومی) (X_۲) و سهم دولت در اقتصاد (نسبت مخارج بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی) بشرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

جدول ۳ - ضریب همبستگی پرونده های فساد مالی با برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران

	X _۱	X _۲	X _۳	Y
X _۱	۱			+۰٫۹۷
X _۲		۱		+۰٫۷۴
X _۳			۱	+۰٫۷۳
Y	+۰٫۹۷	+۰٫۷۴	+۰٫۷۳	۱

X_۱: درآمد سرانه واقعی (فقر عمومی)
X_۲: درآمد نفت و گاز (رانت اقتصادی)

X_t : سهم دولت در اقتصاد (نسبت مخارج بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی)
 Y : تعداد پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی (فساد مالی)

ضریب همبستگی تعداد پرونده های فساد مالی با درآمد سرانه واقعی مثبت و معادل $+0.197$ می باشد که به معنای همبستگی مثبت شدید است. ضریب همبستگی تعداد پرونده های فساد مالی با درآمد نفت و گاز (رانت) نیز معادل $+0.173$ است که همبستگی مثبت و بالایی را نشان می دهد.

اما برای تفسیر معنی دار از ضریب همبستگی باید به ضریب تعیین (R^2) که توان دوم ضریب همبستگی است متوسل شویم. ضریب همبستگی برابر 0.17 و 0.197 به ترتیب دارای ضریب تعیین 0.181 و 0.149 و 0.149 است. بر این اساس 81 درصد از تغییرات مربوط به تعداد پرونده های فساد مالی (متغیر Y) را می توان با تغییرات درآمد سرانه واقعی توضیح داد. اما تنها 49 درصد از تغییرات مربوط به پرونده های فساد مالی با تغییرات درآمد نفت و گاز و سهم دولت در اقتصاد قابل توضیح است. بنابراین شدت همبستگی فساد مالی و درآمد سرانه واقعی حدود دو برابر شدت همبستگی فساد مالی و درآمد نفت و گاز (رانت) و سهم دولت در اقتصاد است. هر چند الزاماً دلالت بر رابطه علت و معلولی ندارد.

۹- اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در ایران

فساد مالی پدیده ای چند بعدی است و به همین جهت مبارزه با آن باید در چند جبهه صورت گیرد. در جبهه اقتصادی مهمترین اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی براساس آزمون فرضیه ها عبارتند از:

۹-۱- پی گیری سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی

رشد اقتصادی باعث افزایش درآمد ملی کشور شده و در نتیجه درآمد سرانه را ارتقاء می بخشد. افزایش درآمد سرانه، فقر جامعه را بهبود بخشیده و جرم خیزی اقتصاد را کاهش می دهد. سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی در برنامه سوم بخوبی تدوین شده است و از این رو از تکرار آنها در مقاله خودداری می کنیم.

۹-۲- اصلاح نقش و وظایف دولت در اقتصاد

مبارزه با فساد مالی مستلزم بازنگری نقش و وظایف دولت است. بازنگری نقش و وظایف دولت باید به گونه ای انجام شود که بتوان عرضه و تقاضای (انگیزه) فساد مالی در دستگاههای دولتی را کاهش داد.

۹-۲-۱- کاهش تقاضای فساد مالی در دستگاههای دولتی

مؤثرترین شیوه اصلاحات آن است که کمترین فرصت و شرایط را برای سوء استفاده کارکنان دولت فراهم آورد. بدین منظور باید به اصلاح قوانین و برنامه‌های ناسالمی پرداخت که احتمال سوء استفاده از آنها وجود دارد. در صورتی که دولت برای نظارت بر امور صادرات و واردات، مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی و مجوزهای ذی ربط، حداقل مقررات لازم را داشته باشد، انگیزه پرداخت رشوه و آشنابازی نیز به حداقل می‌رسد.

شفاف کردن و کارآمد ساختن قوانین موجود برای کاهش اختیارات فراوان کارکنان و مدیران دولت یکی از راهکارهای پیشنهادی است. با حمایت از مالیاتهای ساده اجباری و قوانین مالی و نظارتی کارآمد، از بروز فساد مالی جلوگیری می‌شود. با انجام این اصلاحات، دو عامل شفافیت و توجیه‌پذیری قوانین، انگیزه‌های سوء استفاده را کاهش می‌دهد.

سیاست‌هایی که کنترل دولت را بر بازرگانی خارجی کاهش دهد، موانع خصوصی سازی را رفع کند و رقابت را در شرکت‌های دولتی قابل واگذاری افزایش دهد، در مبارزه با فساد مالی حایز اهمیت است. از سوی دیگر دولت می‌تواند با فروش امتیازها، فساد مالی در اخذ امتیازهای انحصاری را کاهش دهد. فرایند خصوصی سازی نیز از آنجا که شرکت‌کنندگان در خرید کارخانجات سعی می‌کنند شرکت را هرچه ارزانتر خریداری کنند و در این راه به هر وسیله ای متوسل می‌شوند. اصلاح لازم در این زمینه، شفاف سازی تمامی فرایند واگذاری است.

۹-۲-۲- کاهش عرضه فساد مالی در دستگاههای دولتی

اصلاحات اداری از بروز انگیزه‌های فساد مالی در کارکنان دولت جلوگیری می‌کند. فساد مالی معمولاً ریشه در سلسله مراتب ساختار اداری دارد. برای از بین بردن چنین ساختاری یک سازمان دهی جدید و اساسی با مبنای زیر مورد نیاز است:

نخست آنکه با ایجاد رقابت در درون مجموعه دولت می‌توان از آلوده شدن کارکنان جلوگیری کرد. در صورتی که پرداخت کنندگان با هدف به دست آوردن مجوزها و امتیازهای غیرقانونی، رشوه پرداخت کنند، وجود اختیارات رقابتی اداری باعث می‌شود امکان فساد مالی کاهش یابد. خصوصاً آنکه همواره بخش عمده کارکنان دولت درست و صادقانه کار می‌کنند لذا متقاضیان واجد شرایط به آنها متوسل می‌شوند و بدین ترتیب احتمال سوء استفاده ضعیف می‌شود. درستی و صداقت بخشی از کارکنان موجب می‌شود سایر کارکنان نیز به همان ترتیب عمل کنند و در نتیجه مزایای

۱. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۶۷.

کمتری نصیب کارکنان فاسد می‌شود. در صورتی که فساد نظام اداری خیلی بغرنج نباشد، کارکنان درست کار به راحتی می‌توانند آن را در مجموعه خود ریشه کن کنند. دوم اینکه دولت باید شرایط سختی برای کارکنان فاسد ایجاد کند؛ به نحوی که قادر به سازمان دهی و حفظ انسجام خود یا پذیرش تقاضای پرداخت کنندگان رشوه نباشند. پرداخت کنندگان گاهی به این نتیجه می‌رسند که شکست خوردگانی هستند که بهتر است درست کاری و صداقت پیشه کنند و ناکنون قربانی اخاذی و کلاهبرداری بوده‌اند.

۹-۲-۳- اصلاح نظام حقوق و مزایای کارکنان دولت

هنگامی که دولت به کارکنان خود حقوق و مزایای اندکی پرداخت می‌کند، آنان برای گذران زندگی به راه‌های غیر قانونی یا شغل دوم متوسل می‌شوند. تا زمانی که به کارکنان متخصص بخش دولتی حقوق و مزایای کمتری نسبت به کارکنان دیگر بخش‌ها - یا همان تخصص - پرداخت شود، بدون شک بخش دولتی جاذبه‌ای جز برای کسانی که صرفاً با هدف دیگری یا از ناچاری قصد استخدام دولتی دارند، نخواهد داشت.^۱ میزان حقوق و مزایای کارکنان دولت باید با پرداخت‌های بخش خصوصی نزدیک باشد تا کارکنان تشویق شوند که بدون توسل به کارهای خلاف، در سازمان‌های متبوع خود خدمت کنند. مضحک است که از کارمندان دولت در حالی که حقوق‌شان پاسخ‌گوی خدمات صادقانه‌شان نیست، خواسته شود در مبارزه علیه فساد مالی شرکت کنند.^۲ شاخص تقریبی برای ارزیابی کفایت حقوق و مزایای بخش دولتی، فاصله میان حقوق و مزایای بخش دولتی و خصوصی است. البته این فاصله را باید با لحاظ این واقعیت که استخدام در دستگاه دولتی امن‌تر است تعدیل کرد.^۳ استخدام و ترفیع براساس شایستگی نیز در کاهش فساد مالی، جذب کارکنان خوب و افزایش کارایی مؤثر است.

۹-۲-۴- به کارگیری خط مشی بازدارنده در دستگاه‌های دولتی

برای بازدارندگی باید مجازات‌ها تشدید شود. بدین منظور رقم رشوه نباید ملاک عمل باشد، بلکه دولت باید از مقام‌های دولتی که صحت تخلف آنها محرز شده است، چند برابر جریمه دریافت کند و رشوه دهندگان نیز باید چند برابر منفعتی که به طور غیر قانونی کسب نموده‌اند، جریمه شوند. در صورتی که شرکت‌های ذی نفع همواره به دنبال معاملات خلاف بوده، سعی کنند که به کارکنان دولت رشوه پرداخت کنند،

۱. U.N.D.P., "Corruption and Good Governance"; P. 45.

۲. رابرت کلینگارد، چه می‌توان کرد، ص ۳۷.

۳. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ص ۲۲۷.

باید آنها را به نحوی محدود کرد که تا چند سال دیگر نتوانند هیچ ارتباط و معامله ای با مجموعه های دولتی داشته باشند.

از سوی دیگر تهیه اسناد، مدارک و شواهد مبنی بر تخلف افراد نیز بسیار دشوار است، زیرا هر دو طرف - رشوه دهنده و رشوه گیرنده - نهایت سعی خود را در مخفی نگه داشتن موضوع به عمل می آورند. بنابراین دولت باید قوانینی وضع کنند که از افشا کنندگان حقایق در بخش های خصوصی و دولتی حمایت همه جانبه به عمل آید. براساس یکی از قوانین ایالات متحده آمریکا، به کسانی که مشکلات و نقص های قراردادهای دولتی را مطرح کنند، پاداش داده می شود. واضح است که در شرایط عادی حمایت از افشا کنندگان تخلف ها معنا ندارد، مگر اینکه سیستم قضایی امور را به درستی پیگیری کند، دادگاه ها فاسد نباشد و افراد صالحی آنها را اداره کنند و مجازات هایی که برای متخلفان منظور و اعمال می شود قدرت و توان بازدارندگی لازم را داشته باشد.^۱ وجود نهاد مستقل و سخت گیر مبارزه با فساد مالی می تواند به عنوان ابزاری قوی عمل کند و نشان دهنده تعهد دولت به مبارزه با فساد مالی باشد.

۹-۳- سیاستهای رانت زدایی از اقتصاد

مهمترین سیاستهای رانت زدایی از اقتصاد عبارتند از:

- حذف تدریجی تخصیص منابع از طریق تصمیمات اداری و فردی: تخصیص منابع باید خارج از حدود اختیارات اشخاص باشد و به قانون و مکانیزم ها (مانند: مکانیزم بازار رقابتی و قیمتها) واگذار شود. البته تا زمانی که بازارها به صورت ناقص هستند، می توان از طریق ایجاد رقابت، مکانیزم های انتقال اطلاعات و امکان ورود شرکتهای جدید، اقدام نمود.
- جایگزینی مجوزها، معافیت ها و سهمیه ها: در این زمینه جایگزینی تعرفه گمرکی به جای سهمیه وارداتی، حراج سهمیه وارداتی، حذف مجوزهای غیر ضروری و لغوت تدریجی امتیازهای انحصاری و معافیتها می تواند به عنوان سیاست دولت در نظر گرفته شود.
- حذف تدریجی عواید نفتی از درآمدهای بودجه عمومی: از زمان برنامه سوم قبل از انقلاب که برنامه های عمرانی از حالت جمع طرح ها به برنامه ریزی جامع تغییر یافت، عواید نفتی در ردیف درآمدهای دولت قرار گرفت و در هزینه های جاری و عمرانی

به مصرف رسید. دستگاههای اجرایی نیز ابزار توزیع رانت نفتی شدند و دولت رانتیر شکل گرفت و توسعه یافت.

ویژگیهای عمده دولت رانتیر آنست که: رانت، بخش عمده درآمد دولت (۴۲٪) یا بیشتر) را تشکیل دهد؛ رانت، از خارج کشور تامین شود و ارتباطی با فرایند تولید در اقتصاد داخلی نداشته باشد؛ اکثر جامعه دریافت کننده یا توزیع کننده رانت باشند؛ دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه نمودن آن نقش اساسی ایفا می نماید. بدین ترتیب بیشتر کشورهای صادر کننده نفت دولتهای رانتیر هستند.

از جمله آثار منفی رانت بر اقتصاد این است که باعث حاکم شدن نوعی روحیه رانتی در اقتصاد می شود و گزاره "کار و کوشش علت ثروتمند شدن است" خدشه دار می گردد و شانس علت ثروتمند شدن است، جای آنرا می گیرد. روحیه رانتی پدیده اقتصاد توزیعی^۳ را به دنبال می آورد که در مقابل اقتصاد تولیدی است^۴.

در چنین شرایطی برای رانت زدایی از اقتصاد باید بتدریج منابع رانتی را از بودجه دولت کاهش داد و جایگزین دیگری برای آن اندیشید. بدین منظور در اقتصاد ایران می توان الگوی سازمان برنامه را در سالهای برنامه دوم قبل از انقلاب یا صندوق ذخیره ارزی (در حال حاضر) به عنوان طرح اولیه، مورد توجه قرار داد.

۹-۴- پیگیری سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت در اقتصاد

سیاستهای انحصار زدایی و ایجاد رقابت از رنوس برنامه سوم کشور است که در حال حاضر دولت آنرا در برنامه کار خود دارد.

۱۰- نتیجه گیری و پیشنهادها

فساد مالی یکی از چالشهای کنونی اقتصاد ایران است و با ۱۳ برابر شدن پروندههای اختلاس، ارتشاء و جعل طی هفت سال اخیر، دامنه این پدیده شوم سرعت گسترش یافته است. دخالتها و تصدیهای غیر ضروری دولت در اقتصاد، نظام وصول مالیات و تخصیص بودجه ناکارآمد و غیر شفاف، قاعده مند نبودن برخی تصمیمات اقتصادی و عرضه کالاها به قیمت پایین، محدودیت های تجاری و دستمزدهای پایین

۱- دولت رانتیر دولتی است که کالاها و خدمات و منابع طبیعی را به نسبت بالاتر از هزینه تولید آنها به فروش می رساند و دریافتی کسب می کند.

۲- امیر محمد حامی یوسفی، رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم، ص ۱۵۳.

3. Circulation economy.

۴- همان، ص ۱۵۴.

دولتی مهمترین عوامل اقتصادی موثر بر فساد مالی در اقتصاد ایران هستند. اما یکسری عوامل غیر اقتصادی نیز زمینه ساز وقوع فساد مالی در ایران است. وضعیت نظام بوروکراتیک، نظام مجازات، ضعف کنترل‌های نهادی، نبود شفافیت در قوانین و روبه‌ها و الگوی رفتار دولتمردان از این دسته اند. سه متغیر مهم که دارای همبستگی با فساد مالی در اقتصاد ایران است، عبارتند از: انحصارها، اقتصاد رانتی و فقر عمومی. برای مبارزه با فساد مالی در اقتصاد ایران پیشنهاد می‌شود: سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی به‌طور جدی پیگیری شود، نقش و وظایف دولت در اقتصاد مورد بازنگری قرار گیرد، سیاستهایی برای رانت زدایی از اقتصاد اتخاذ گردد و سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت که در برنامه سوم مطرح شده است، جدلاً مورد عمل قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست شماره (۱): پرونده‌های فساد مالی و آمارهای کلان اقتصادی ایران (۷۸-۱۳۳۳)

سال	تعداد پرونده‌های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاه‌های عمومی (هزار عدد)	فراآمد ملی (میلیارد) ریال و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱	جمعیت کل کشور (هزار نفر)	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (میلیارد ریال و به قیمت‌های جاری)	پرونده‌های بودجه کل کشور (میلیارد ریال)	درآمد نفت و گاز (میلیارد ریال)
۱۳۷۴	۱۴/۳	۱۸۰۰/۲	۵۸۳۶۷/۸	۲۲۹۳۵۰/۷	۷/۲۲۲۳۵/۷	۸/۷۸۳۱۸
۱۳۷۵	۸/۳	۱۳۳۳/۳	۶۱/۱۱۹۵	۱/۰۰۰۷۰۷۱	۵/۵۰۵۶/۶	۲/۱۳۳۳۳
۱۳۷۶	۱۰/۶	۷/۰۳۵۱	۶۰۰۰۰	۳/۵۰۸۵۱	۶/۳۳۸۸/۱	۴۵۱۷/۴
۱۳۷۷	۱۷/۱	۱۳۷۷۰/۷	۶۳۷۱۸	۳/۳۳۶۶/۳	۳/۰۳۰۳۸	۵/۸۱۳۳
۱۳۷۸	۷/۱۳	۶۰۷۷۰/۱	۶۳۷۱۸	۳/۳۳۶۶/۳	۳/۰۳۰۳۸	۵/۸۱
۱۳۷۹	۱۳۳/۶	۱/۵۰۹۳۱	۶۳۷۱۸	۳/۳۳۶۶/۳	۳/۰۳۰۳۸	۶/۸۷۳۳
۱۳۸۰	۵۷۱	۵/۳۳۵۳۱	۶۳۷۱۸	۳/۳۳۶۶/۳	۳/۰۳۰۳۸	۵/۷۳۳۵

منابع: مرکز آمار ایران، شانزده آمار کشور، سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ (در مورد پرونده‌های فساد